گفتار سیاستمداران

ناتوان از گفت‌وگو هستیم

گفتاری از هادی خانیکی درباره اندیشه پیشرفت و تحولات جدید جامعه ایران و نقش و جایگاه مجید تهرانیان

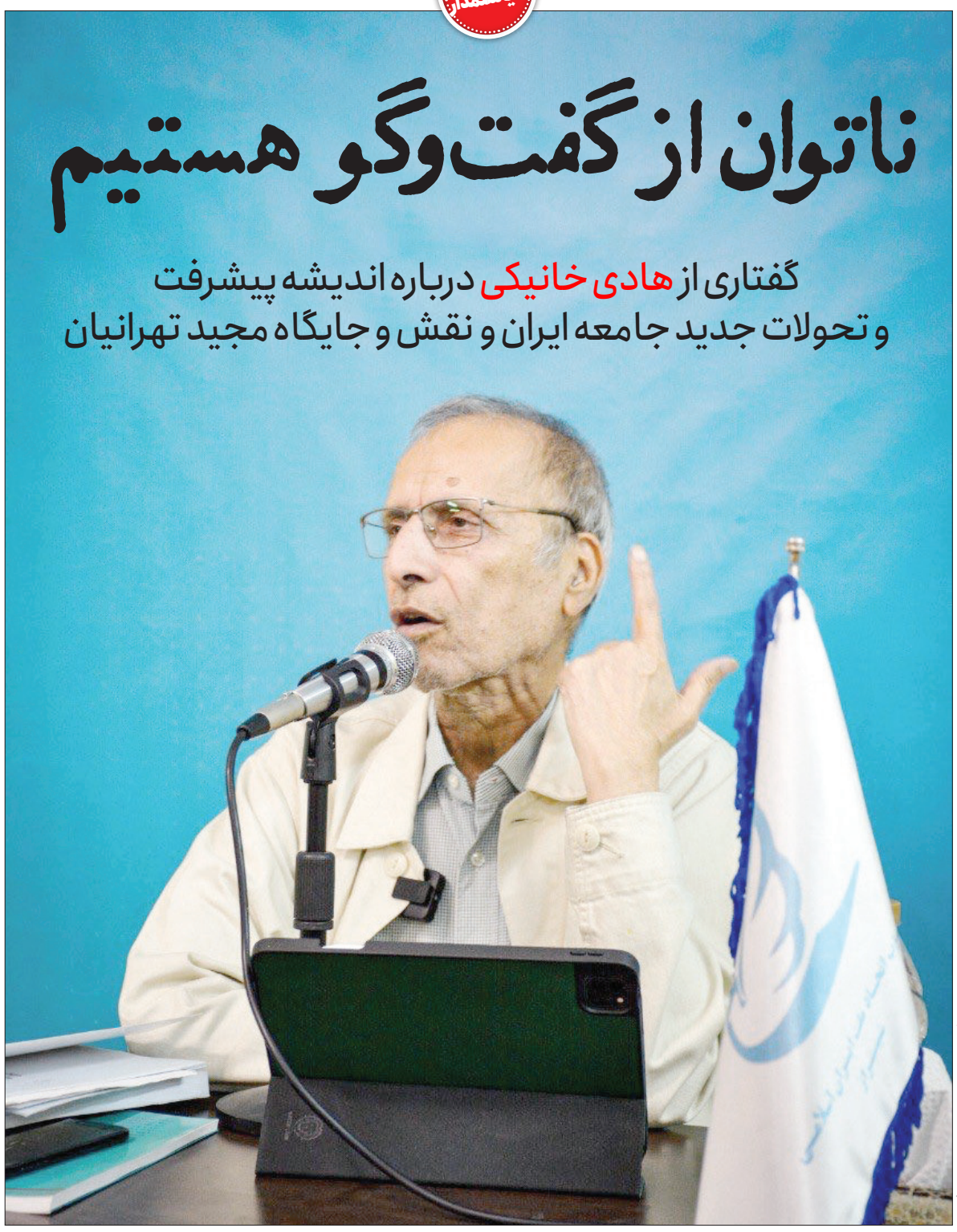

عکس: حزب اتحاد ملت شعبه فارس

حزب اتحاد ملت شعبه فارس، در سلسله نشست‌های گفتار و اندیشه به معرفی و بررسی کتاب «اندیشه پیشرفت و تحولات جدید جامعه ایران» پرداخته است. در این نشست که ۱۸ اردیبهشت‌ماه در شیراز برگزار شد، هادی خانیکی، نویسنده کتاب و استاد ارتباطات دانشگاه علامه، مروری اجمالی بر اندیشه‌ها و پژوهش‌های مجید تهرانیان که در این کتاب به آن اشاره شده است و دیدگاهش درباره توسعه کشور داشته است که خلاصه‌ای از آن در ادامه می‌آید.

سعی می‌کنم در این مدت کوتاه با یک روایت مختصری از این کتاب بیشتر به مسائلی ورود پیدا کنم که امروز بیشتر مبتلابه ما است و آن هم مسئله «توسعه ملی» و مبانی و موانعی است که در برابر آن وجود دارد. متن اصلی کتاب که مبنی بر اینکه «مسئله ایران از زاویه نگاه مجید تهرانیان چیست؟» به یک زمینه تاریخی مهم و یک رویکرد مهم تاریخی برمی‌گردد.

دکتر مجید تهرانیان چند ویژگی دارد که به نظر من همین ویژگی‌ها کمک می‌کند که مسئله ایران را بهتر بفهمد. ویژگی اول او این است که سخت پایبند به ایران است و سعی می‌کند ایران را همان‌گونه که هست ببیند و بفهمد. کسی است که درس خوانده و به دانشگاه هاروارد رفته و در رشته اقتصاد سیاسی از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده و طبیعتاً مسئله توسعه را به لحاظ علمی در بالاترین سطح آن به خوبی درک کرده است. اما در کنار این، ویژگی‌هایی دارد که برای شناخت مسئله جوامعی مانند ما خیلی مهم است و آن این است که در کدام دنیا زندگی کرده و در حقیقت پایگاه و خاستگاهش چه بوده است؟ آقای دکتر تهرانیان از خراسان برخاسته و خاندانش کسانی بودند که اولین و شاید دیرپاترین روزنامه زبان فارسی را که هنوز هم منتشر می‌شود، یعنی روزنامه خراسان را منتشر می‌کردند و پسرعمویش مؤسس روزنامه خراسان بود و خودش از بستگان ملک‌الشعرای بهار بود. کسی که یک عمر جنگیده می‌گوید که ایران نیازمند صلح است. ویژگی دومش این بود که این فرد در این مجموعه از یک توانش زبانی و توانش فهمی برخوردار شده؛ به گونه‌ای که در آثارش هم می‌بینید. در آن مدتی که ایشان برای تدریس در دوره دکتری در دانشگاه امام صادق به ایران آمده بود، خیلی با ایشان هم‌دلانه و هم‌نگرانه حرف می‌زدیم. به وضوح این را در ایشان دیدم که کسی که بخش مهمی از عمرش را در خارج از کشور گذرانده به زبان شعری حرف می‌زد. اصلاً برای به کار بردن یک کلمه فارسی گیر نمی‌کرد. ویژگی سومش هم این بود که شجاعت ورود به سیاست را داشت.

دوگانه سیاست و علم

همیشه در ایران به‌طور خاص دوگانه‌هایی وجود داشته و وجود دارد و یکی از این دوگانه‌ها این است که اگر می‌خواهید دانشمند و اندیشمند برجسته‌ای شوید بگویید که به سیاست کاری ندارم یا وقتی دانشمند می‌شوید که از سیاست فاصله گرفته باشید یا متقابلاً وقتی به سیاست ورود پیدا می‌کنید. چون دنبال فهم سریع و حل سریع مسئله می‌گردد او هم کار علمی را با کنش سیاسی خودش مغایر می‌بینند. در کنار این دو گریز یک گریز سومی هم وجود دارد و آن هم این ست که در جامعه کار کنید. وقتی به سیاست می‌رسید در کجا باید قرار گیرید. باید پست بگیرید و مسئولیت بگیرید و در مقام‌های بالا قرار بگیرید نه در سطوح پایین‌تر و باورت این باشد که اگر جز در اینجا قرار بگیرید نمی‌توانید کار سیاسی کنید. تهرانیان این گونه نبود و مدتی از زندگی سیاسی خودش را درگیر کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور بود که یک تشکل ضد رژیم شاه بود و فعالیت می‌کرد و چپ هم بودند. به دهه ۵۰ برگردیم و این را در نظر داشته باشید که چپ هستید در دوقطبی مذهبی-مارکسیست قرار می‌گیرید. یا مارکسیستی که ضد مذهب است یا مذهبی که با مارکسیست فاصله دارید. اما یکی از نزدیکترین دوستان تهرانیان زمانی که در کنفدراسیون بود، دکتر چمران است؛ به‌طوری که وقتی با من حرف می‌زد از او با نام مصطفی یاد می‌کرد و من باید سوال می‌کردم که چه کسی را می‌گوید. کسی که چپ و دبیر کنفدراسیون است و چمرانی که یک مبارز عارف‌مسلک است. این ویژگی‌ها مبنی بر دغدغه داشتن و به عبارت دیگر ایرانی بودن و خوب خواندن و مسلط به دانش بودن و همچنین قدرت مواجهه با مسئله داشتن، از او کسی متفاوت با همفکران رایج آن دهه با سیاست‌ورزان و یا دانشمندان آن دهه ساخته بود. به گونه‌ای که تهرانیان یکی از چند نظریه‌پرداز برجسته ارتباطات در جهان و نامی شناخته شده است. اما همین نظریه‌پرداز برجسته در جهان، همه جا از خودش به عنوان مسافری از غرب و کسی که به دنبال مولوی و فردوسی است، یاد می‌کند. به نظر من این ویژگی‌های متفاوت به او کمک کرد که او مسئله توسعه و توسعه‌نیافتگی ایران را در دهه ۵۰ تا حدود زیادی متفاوت با بقیه می‌بیند. چرا متفاوت؟ الان این تفاوت را که در همین کتاب هم هست می‌گویم. متفاوت به این معنا که دهه ۵۰ سرآغاز درآمدهای بالای ایران به دلیل فروش بالای نفت می‌باشد. شعارهای شاه در دهه ۵۰، «پیش بسوی دروازه‌های تمدن بزرگ» بود. یعنی خیلی ساده‌گویی: پول داشته باشی می‌توانی توسعه پیدا کنی. مطالعه ایران و ژاپن، به خاطر اینکه ایران و ژاپن به صورت تاریخی در فرایند توسعه همیشه به عنوان رقیب مطرح می‌شدند، بالاخره وقتی که اصلاحات امیرکبیر در ایران آغاز شد ۱۶ سال بعدش هم اصلاحات میجی در ژاپن است. دانشگاه پلی‌تکنیک توکیو دیرتر از دارالفنون در ایران تأسیس شده است. یا اعزام به خارج از کشور در ایران زودتر از ژاپن آغاز شده است. از این نمونه‌ها می‌توانید فراوان پیدا کنید که ایران در گام اول در برابر ژاپن جلوتر است و بعد می‌بینید که ژاپن جلوتر افتاده است. در دوران تجدد آمرانه رضاشاه هم تجدد از بالا و به دلیل اقتدار حکومت تعریف می‌شد؛ باز یک الگو ایران بود و حال که ایران درآمد بالای نفت دارد، دعوت شاه از مراکز مطالعاتی هم این است که البته جوابش روشن است که چه کنیم که به ژاپنِ غرب آسیا تبدیل شویم. از جمله اولین کسانی که این مطالعه را در ایران انجام می‌دهند آقای دکتر تهرانیان است که در این کتاب یک فصلش را من آوردم و ترجمه تحقیقی است که او برای یونسکو انجام داده است. او مطالعاتی از این دست را شروع می‌کند و مفهوم توسعه‌ای که به آن می‌رسد، به وضوح مطرح می‌کند که توسعه یک امر صرفاً اقتصادی نیست.

توسعه یک امر متضلع و چندوجهی

توسعه یک امر چندساحتی و پیچیده است که عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در کنار همدیگر قرار دارند. این فهم از توسعه امروزه خیلی مرسوم است. در آن زمان تهرانیان، بر خلاف روال‌های نظری و سیاست‌گذارانه به دنبال این می‌گردد و این را مطرح می‌کند که توسعه یک امر متضلع و چندوجهی است. به این تعریف خیلی شسته‌رفته‌ای که تهرانیان مطرح می‌کند، توجه کنید که این حرف در نیمه‌های دهه ۵۰ زده می‌شود نه در سال ۱۴۰۰ یا قرن ۲۱. می‌گوید توسعه یعنی بالارفتن ظرفیت‌های مادی و معنوی نظام ملی و رسیدن به سطوح تازه‌ای از پیچیدگی، نظم و نوآوری. ظرفیت‌های معنوی یعنی آن جامعه از مدارا برخوردار است یا نه؟ می‌تواند گفت‌وگو کند یا نه؟ نخبگانش هم‌پذیر و مشارکت‌گرا هستند یا مشارکت‌ستیز و بدبین؟ همه چیز را بر اساس ذهنیت‌های قطبی و ذهنیت‌های متقابل تعریف می‌کند؟ و در جایی که از باورها و امیدهایی که برای توسعه وجود دارد حتی در ایران، حرف می‌زند بر وجه معنوی توسعه هم تکیه دارد. مثل اخلاق توسعه و روانشناسی توسعه، سیاست توسعه، گفت‌وگوی توسعه که همه و همه مهم هستند. به جز این دو پایه، سه سطح تعیین می‌کند که هر دو ظرفیت‌های مادی و هم ظرفیت‌های معنوی توسعه باید در این لایه‌های جدید به سطوح تازه برسند؛ پیچیده‌تر، نظام‌مندتر و نوآورانه‌تر شوند. این حرف‌هایی که گفته می‌شود فقط در مورد منابع مادی توسعه نیست. پیچیده‌تر شدن یعنی اینکه نفت خام را صادر نکنیم بلکه در کنارش پتروشیمی بیاید و صنایع دیگری شکل بگیرد. فقط و فقط این نیست؛ جامعه‌ای که اخلاقش هم به نسبت گذشته پیچیده‌تر شود. اخلاق پیچیده‌تر یعنی چه؟ در اخلاق ساده و اخلاق سنتی خیلی مشخص است. می‌گوییم که دروغ نگوییم، تهمت نزنیم. ولی اخلاق مدرن می‌گوید که رسانه‌ها و نظام ارتباطی آن جامعه مبتنی بر دروغ است یا نیست؟ مبتنی بر تهمت است یا نیست؟

آقای تهرانیان در سال ۱۳۵۵ مسئولیت کمیته ارتباطات برنامه ششم توسعه را بر عهده گرفت. تقریباً با مشارکت همه صاحب‌نظران حوزه ارتباطات، از آنها که در تئاتر و موسیقی و سینما صاحب‌نظر بودند تا رسانه‌ها و امثال اینها آمد و کاری کارستان کرد. برای اینکه بگوییم چقدر پیشتازانه بود، اشاره می‌کنم به واژه جامعه اطلاعاتی که در گزارش کمیته برنامه ششم توسعه در سال ۵۵ آمده و آن اینکه نظام مسئله ایران را از نظر ارتباطی اینگونه تعریف کرده که از جامعه مبتنی بر ارتباطات شفاهی و چهره به چهره به سمت مولتی‌مدیا یا چندرسانه‌ها می‌رود. در همین شهر شیراز همایشی تحت عنوان همایش شیراز برگزار شد. او در این همایش معتقد است که رادیو و تلویزیون ملی ایران دارد موقعیت خودش را در برابر رسانه‌های کوچک مثل آنهایی که در قالب کاست پیام‌های امام را منتقل می‌کردند؛ اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، مسجدها، هیئت‌ها، دورهمی‌ها، قهوه‌خانه‌ها و برنامه‌هایی که دانشجویان دور هم داشتند، مجموعه‌ای از این رسانه‌ها دارند بر رادیو و تلویزیون غلبه می‌کنند. تأکیدی که البته به تأکیدش توجه نشد هم این بود که می‌گوید رادیو و تلویزیون ملی ایران به جای اینکه تکنولوژی‌اش را وسیع‌تر کند، باید گروه‌های مرجع جامعه در آنجا دیده شوند. کسی با این رویکرد و این پیشینه و این مواجهه است که مسئله توسعه ایران را تعریف می‌کند. من این مسئله را در ۸ فصل از این کتاب آورده‌ام؛ جاهای مختلفی که نقش رسانه‌ها را در توسعه ملی می‌گوید، ایران و ژاپن را مقایسه می‌کند و الزاماتی که در اندیشه پیشرفت وجود دارد را مطرح می‌کند.

تغییر تحول ارزشی رخ داده فراتر از تحول نسلی

مسئله‌ای که آقای دکتر تهرانیان مطرح می‌کند مسئله خیلی کلی‌ای است. او اول سه گذار را مطرح می‌کند که تحولات سیاسی، تحولات اقتصادی و تحولات ارتباطی را در برمی‌گیرد و بعد می‌بیند که کافی نیست و در آخرین تحقیقش شش گذار را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. یعنی گذار اجتماعی، گذار فرهنگی و گذار روانی را هم در جامعه مورد مطالعه قرار می‌دهد. دال مرکزی همه این تحقیقات این است که جامعه ایران پرشتاب تغییر کرده است. از جامعه‌ای حرف می‌زنیم که همه چیزش در زیر تغییر پیدا کرده است. با جامعه‌ای متنوع و متکثر روبه‌رو شده‌ایم. در این جامعه متنوع و متکثر، به تناسب این تنوع و تکثرش نهادهای مدنی در آن رشد نکرده است. از نهادهای سیاسی که احزاب و تشکل‌های سیاسی هستند گرفته تا نهادهای صنفی و حرفه‌ای، یعنی با یک جامعه توده‌وار و یک جامعه سیال روبه‌رو هستیم. این را من در فصل آخر نشان دادم یعنی گفتم که این تغییرات به طور خلاصه چه چیزی هست.

این نکته را هم بگویم که این پژوهش را در سال ۷۵ وقتی آقای دکتر تهرانیان به تهران آمد قرار بود انجام دهیم و او چندین بار پس از آن هم پیگیری کرد و به تهران آمد؛ اما به دلیل اینکه روزنامه کیهان مطلبی درباره او نوشت و او را جاسوس سیا خواند، دیگر به ایران نیامد و بعد هم که درگذشت. سال ۱۴۰۱ در همین بحبوحه و به موازات اینکه مشغول درمان چه در شیراز و چه در تهران شده بودم، این کار را شروع کردم؛ همزمان هم چون انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ با شرایط متفاوت شکل گرفت و اصلاح‌طلبان هم در آن مواضع واحدی نداشتند و بخشی در انتخابات شرکت کردند و بخشی شرکت نکردند، آقای خاتمی نیز چنین مطالعه‌ای را درباره علل تصمیم مردم و تغییرات آنها از من خواستند. از جمله این تغییرات این بود که اگرچه خیلی احتیاج به توضیح دارد اما تصور رایج که فوری برای اینکه تغییرات را ساده تفسیر می‌کنیم، از نسل زد و آلفا و اینها صحبت

مقامات

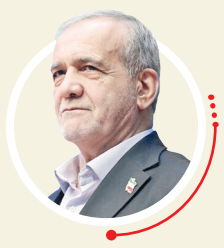

به‌دنبال صلح و آرامش هستیم

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، پنجشنبه برای سفر استانی خود راهی کرمانشاه شد. او در جمع مردم کرمانشاه گفت: «ما به دنبال صلح و آرامش هستیم، سرزمین و همسایگان ما از یک ریشه و بنیان هستیم، ما با همه کشورهای همسایه ترکیه، عراق، افغانستان، پاکستان، آذربایجان، ازبکستان، عمان، بحرین، امارات و کویت و عربستان و... پیمان برادری داریم چراکه هزاران سال است که در این منطقه ساکن هستیم، آنها ریشه ندارند، آنها هستند که به ایرانیان و سرزمین ما توهین می‌کنند.» او ادامه داد: «آنها تصور کردند که با ترور دانشمندان می‌توانند ما را زمین‌گیر کنند اما در خیال خامی هستند، به ما می‌گویند تروریست اما اسرائیل ۶۰ هزار انسان بیگناه را با همکاری آمریکا و اروپا به خاک و خون کشیده است، راه آب و نان و دارو را بر آنها بست و بعد، از صلح و آرامش سخن می‌گویند.» رئیس جمهور همچنین گفت: «با همکاری تجار، دانشمندان، نخبگان و همراهی مدیران و مردم مملکت را با قدرت خواهیم ساخت. ایرانی خواهیم ساخت که هیچ‌کس تصور آن را ندارد، با مشکلاتی مواجه هستیم اما با حول و قوه الهی این مشکلات را یک به یک حل خواهیم کرد. با وحدت و انسجام و همدلی و با درایت و رهبری رهبر انقلاب همه بحران‌ها را پشت سر خواهیم گذاشت.»

با قدرت و عزت مذاکره می‌کنیم

رئیس‌جمهور در نشست با فعالان سیاسی و اجتماعی استان کرمانشاه گفت: «اگر تصمیم بگیریم به قله برسیم، راه‌حل را پیدا خواهیم کرد، در این صورت هیچ مانعی سر راه ما را نخواهد گرفت و این تنها با تقویت باور و ایمان و اعتقاد درون ما شکل خواهد گرفت.» او ادامه داد: «اینگونه نیست که اگر مذاکره و قبول کردند، قبول کنیم و اگر نکردند ما خواهیم مرد. ما با قدرت و عزت مذاکره خواهیم کرد و با ذلت سرخم نخواهیم کرد، معتقدم باید مذاکره و صلح کنیم اما نه به گونه‌ای که تفنگ بالای سر ما بگذارند و تهدید کنند، از ارزش‌های خود و از عزت و شرف مملکت خود کوتاه نخواهیم آمد. اگر آنها نخواهند صلح کنند، اگر ما با هم باشیم می‌توانیم راه‌حل پیدا کینم اما اگر بخواهیم به مانند گذشته ادامه دهیم، مشکلات برطرف نمی‌شود.» پزشکیان همچنین گفت: «روز قیامت از حزب و دسته و جناح نمی‌پرسند بلکه از عملکرد می‌پرسند، خداوند ضعف را از ما نمی‌پذیرد. برای پاره کردن زنجیرهای ذلت و اسارت و رسیدن به قله‌ها باید تمام تلاش خود را به کار بگیریم و اگر خداوند ببیند که صادقانه کار می‌کنیم به ما کمک خواهد کرد و این چیزی است که فعالان سیاسی و اجتماعی باید به آن توجه کنند و در خدمت رقابت کنند. هر کس که ادعا می‌کند که می‌تواند، عمل کند اما اگر نتوانست حرف اضافه نزند و از کسی که درست کار می‌کند، یاد بگیرد.» او با تاکید بر اینکه رمز موفقیت ما وحدت و انسجام است، گفت: «قدم اول ما باید وحدت و وفاق باشد، نباید بر سر جناح و دسته خود دعوا کنیم بلکه هر کس در جایگاهی بدون خطا و با مدیریت درست عمل کند باید در همان‌جا بماند. ما سیاست و قانون داریم و هر کس براساس این قانون و سیاست عمل کند، باید بماند و اگر از آن انحراف داشت، نباید حضور داشته باشد.»

اصول‌گرای معتقد به اصلاحات هستم

رئیس‌جمهور در دیدار با فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران استان کرمانشاه با تاکید بر اینکه ترامپ باید خواب آن را ببیند که بتواند نارسایی‌ها و مشکلات را به رخ ما بکشد، گفت: «با مردمان توانمند، کارآفرین و عالمان و دانشمندان ایران، همه مشکلات را با قدرت و توان حل خواهیم کرد اما نیاز به زمان داریم. علت اصلی خاموشی‌های فعلی به واسطه ناترازی‌هاست که به امید خدا این موضوع نیز به سرعت حل خواهد شد.» او با تاکید بر اینکه پشتوانه خویشاوندی و یا وابستگی حزبی ندارم، گفت: «حزب بد نیست؛ اصولگرای محکمی هستم و با تمام وجود به اصلاحات معتقدم اما وابسته به کسی نبودم. در دولت خاتمی علی‌رغم اینکه به جناحی وابسته نبودم، وزیر شدم، این در حالی است که در تهران نیروهای حزبی بسیاری فعال بودند.»